



داعش

استثمار از دین
بر مبنا وحشت



داعش

استثمار از دين
بر مبنا وحشت





انتشارات ریاست سازمان امور دینی ترکیه : ۱۶۳۵
کتاب های عمومی : ۳۷۲

جمع آوری :
ریاست شورای عالی امور دینی
ریاست عمومی خدمات دینی

هماهنگ کننده :
دایره کل انتشارات دینی

آنکارا : آذر - ۲۰۱۹

۲۰۱۸-۳۴-۷-۰۰۰۳-۱۶۳۵

ISBN شماره ۲-۳۱-۷۷۳۰-۶۰۵-۹۷۸

چاپ اول.

تصمیم کمیسیون تحقیق کتاب
۲۸.۰۶.۲۰۱۹/۱۰۵

هناخپاچ :

İleri Basım Matbaacılık A.Ş.

B. Evler Mah. F.Çakmak 2 Cad. Güzelşehir Sit. 22

Villa No: 1 ANP/22 B.Çekmece / İSTANBULTel:

+90 212 454 35 10

Sertifika no: 41157

© انتشارات ریاست سازمان امور دینی ترکیه

ارتباط با ما

دایره کل انتشارات دینی

Dini Yayınlar Genel Müdürlüğü

Yabancı Dil ve Lehçelerde Yayınlar Daire Başkanlığı

Üniversiteler Mah. Dumlupınar Bulvarı

No:147/A 06800 Çankaya/Ankara/TÜRKİYE

Tel: +90 312 295 72 81

Fax: +90 312 284 72 88

e-mail: yabancidiller@diyanet.gov.tr

گروه های تروریستی
در حالیکه ادعا دارند که
دیندار و ممثل اسلام
اند، با تبهکاری خون می
ریزند؛ در واقع آنان برای
منافع خود دارای مادی
و معنوی مسلمانان را
استثمار می کنند و بدین
ترتیب بزرگترین صدمه را
به جوامع اسلام، وحدت،
همبستگی، جوانان و آینده
مسلمانان می زنند.

استثمار دین چیست؟

«استثمار» به معنی بهره برداری و سوء استفاده از حسن نیت کسی یا گروهی است. «استثمار دین» سوء استفاده نمودن از دین است و علاوه بر این با استفاده از ارزشها و مفاهیم دینی مردم را به دام کشاندن و برای منافع مادی و معنوی خود از دین سوء استفاده نمودن است.

در طول تاریخ، کسان زیادی یا گروه های زیادی، با استفاده از نفوذ دین بر مردم دنبال دستاوردهایی مختلف شده اند و از تاجری دین اجتناب نکرده اند. این اشخاص و گروه ها، گاهی معنی آیات و احادیث پیامبر را تحریف کرده اند و گاهی در جاهای بی ربطی به کار برده اند و گاهی هم معنی آنها را به نفع خود تفسیر و تحلیل نموده و بین مردم گسترش داده اند. برخی از سوء استفاده کنندگان دین هم به طور مستقیم خود دین را هدف قرار داده و برای اینکه مردم روی به اسلام ندهند، روشی پیش گرفته اند که مفاهیم دینی را بی تأثیر ساخته و این مفاهیم را بی معنی قرار داده اند.

وقتی پیامبر (ص) اسلام هنوز در قید حیات بود، ساخت و ساز یک مسجد به عنوان جایگزینی مسجد النبی و بدین ترتیب تفرقه انداختن بین مسلمانان، یکی از نمونه ی واضح سوء استفاده یا



استعمار دین است. این عمارت به نام «مسجد ضرار» در قرآن مجید اینطور توصیف می شود: «و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلا با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود. اینها سخت سوگند می خورند؟» جز نیکی قصدی نداشتیم» و [لی] خدا گواهی می دهد

پس از اشغال عراق
پولیتیکای مودی
اجرا شده در منطقه
سیاستهای که مردم
را به نژاد و فرقه
تقسیم می کند،
خشونت، زندان،
شکنجه های پی در
پی هزاران نفر را که
از میهن خود رانده
اند، برای گروه های
تروریستی تبدیل به
یک فرصت شده اند.

که آنان قطعاً دروغگو هستند.» (۱۰۷/ ۹، التوبه) به خاطر این خداوند به پیامبر (ص) هشدار داد که «هرگز در آن جا نماز مگزار!» خداوند این حادثه را که منجر به پراکندگی میان مسلمانان شده، به عنوان نمونه برای ما بیان میکند که در مقابل اعمال سوء استفاده و فتنه که می تواند تا روز قیامت اتفاق بیافتد، هوشیار و آگاه باشیم. عکس العمل شدید پیامبر (ص) به

کسانی که این مسجد را ساخته اند، نشان می دهد امروز باید چگونه در مقابل کسانی که قصد دارند دین را استثمار کنند، بایستیم.

در تاریخ اسلام یکی از دردناک ترین مثال حادثه استثمار قرآن کریم، در جنگ صفین رخ داده است. جنبش مبتنی بر خشونت که خوارج نامیده می شود در این نبرد با تظاهر این که طرفدار قرآنند در واقع فتنه ای بزرگی بر پا کرده اند. همچنان گروه های افراطی فرقه شیعه به نام غلات، تلاش دارند تا ایده های انحرافی خود را با آیات مورد حمایت قرار دهند. فرقه های مانند قدیانی، بابیه، بهایی، دروزی که در دوران اخیر در جهان اسلام پدید آمده اند از استثمار دین اجتناب نمی کنند.

باید بدانیم که فرصت طلبی ها مانند دیروز امروز هم رو به روی ما هستند و نه تنها قرآن را استثمار می کنند، بلکه روایات حدیث، مثال های از زندگی اصحاب اکرم و شخصیت های تاریخی و ارزش و مفاهیم اسلامی را هم استثمار می کنند. بسیاری از افراد یا گروه که با اسم ها و نشریات و گفتارهای مختلف گویا به اسلام دعوت می کنند، در واقع برای منافع شخصی خود تلاش می کنند. این افراد دروغین که ادعا می کنند به دین دعوت می کنند در حقیقت احساسات ساده و خالص مسلمانان را استثمار می کنند. با سفسطه، قصه، رویا و وعده

های دروغین درباره ثواب که تضاد با منابع اساسی اسلام و بر خلاف عقل و منطق است، مردم را فریب می دهند و پول، اولاد، وقت و حتی جانشان را از آنها می دزدند.

امروز موضوع استثمار دین، تبدیل به موضوعی امنیتی شده که وحدت امت و اسلام را به طوری جدی تهدید می کند. گروه های تروریستی مانند فتو، داعش، القاعده، بوکو حرام، با ادعای دینی بودن و نمایندگی از دین، خون می ریزند و پراکندگی در میان می اندازد و با این کار بزرگترین آسیب را به وحدت و برادری مسلمانان و به آینده و جوانان می رسانند.

داعش چگونه به وجود آمد؟

در سالهای اخیر، سبب اصلی افزایش و گسترش داعش و گروه های تروریستی خشونت مانند آن و افزایش تعداد جوانان مسلمان که به دام این گروه ها می افتند، به خاطر دین نیست، بر عکس اقدصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. اشغال افغانستان و عراق حملات ۱۱ سپتامبر بسته شدن راه حل مشکل فلسطین آسربوب خواسته های دموکراتیک جنبش بهار عربی به نحو ضد دموکراتیک و سکوت جهان در مقابل ظلم و ستم که در جغرافیای اسلامی ادامه دارد، منجر به گسترش ناامیدی و بی چاره‌گی در کشورهای اسلامی شده است. احساسات خشم و انتقام مردم

این یک واقعیت
است که داعش
از طرفی
مترسکی است
که نتیجه جنگ
های قدرت بین
المللی و تجارت
نفت و اسلحه
به وجود آمده
است. از طرف
دیگر هم یک
ابراز روانشناسی
است که هدفش
مانع اشتراک
جوانان غربی
به پیام های دین
مبین اسلام
است.

که مظلوم و از اساسی ترین حقوق بشر محرومند و مجبور به یک زندگی تحت ظلم و ستم هستند، آماده به استثمار می شود. به خصوص جوانان که نتوانستند آموزش دینی را هم کامل بگیرند، از اینکه نمی توانند شرایط را تغییر بدهند و در مبارزه بابتی عدالتی احساس تنهای دارند، به راحتی به یک شکار تبدیل شده اند. پس از حمله به عراق سیاست های مودی که در منطقه اجرا شده است اقدامات که مردم را به نژاد و فرقه تقسیم می کند، خشونت، زندان، شکنجه های پی در پی هزاران نفر را که از میهن خود رانده اند، به گروه های تروریستی رادیکال فرصتی راحتی آماده کرده است. از طرفی فقر شدید، از طرف دیگر نیاز به قدرتی که برآورده شده است، زمینه ای شکل گیری گروه غیر انسانی به نام داعش را آماده کرده است.

این یک واقعیت است که داعش از جهتی مترسکی است که در نتیجه جنگ های قدرت بین المللی و تجارت نفت و اسلحه به وجود آمده است. از طرف دیگر هم یک ابراز روانی است که هدفش مانع اشتراک جوانان غربی به پیام دین مبین اسلام باشد. یک پشتبانی اتحاد حيله گری بی رحم و وحشیانه که بر اساس روابط منافع عمیق پدید آمده است را دارد. مانند تمام گروه های تروریستی که برای همه نژاد، رنگ، جنسیت و ملیت برای تمام

بشریت سبب درد و وحشت شده اند، داعش هم از طریق بی ایمانی و بی وجدانی تغذیه می شود.

امروز یک مشت افراد که ادعا می کنند جنگجو های بی همتای دین و خدا هستند در غوغای بی رحم خود بشریت را نابود می کنند. این افراد که به هیچ ارزش انسانی و اخلاقی قائل نیستند، وجدان و مقدس را هم ندارند، با تعصب ایدیولوژیک خراب می کنند، نابود می کنند و در واقع غافل از این که فقط یک بازیچه هستند.

پدید آمدن همچنین گروه خون ریز در منطقه مسلمانان و از عناصر اسلامی استفاده کردنش تصادفی نیست. با این که این گروه خون خور با تمام کشورهای منطقه مشکل دارد، منابع انسانی و مالی را به راحتی به دست می آورد، این هم نشان می دهد که خودش یک توطئه عمیقی است که برای فریب دادن مردم و جوانان مسلمان.

شکی نیست که اگر داعش و گروه های مشابه آن در منطقه ای دیگری که در آنجا دین دیگری بود، ظهور کرده بود، از آن دین استفاده می کردند. بنابراین، این گروه ها را هرگز نمی توان یکی از نتیجه درک دینی و یا به عنوان یکی از نتیجه تفسیر اسلام ارزیابی کرد. چون گویا گفتمان دینی که مطرح می

کنند در واقع دین را برای منافع مختلف خود ابزاری خشونت ساختن است.

چه کسانی به داعش می پیوندند؟

منابع انسانی این گروه را عمدتاً جوانان تشکیل می دهند. می تواند که این جوانان را به چهار گروه تقسیم کرد:

اولین گروه افرادی هستند که سالهاست در منطقه جنگ، بین خشونت و وحشت بزرگ شده اند و فقر شدیدی را چشیده، تحت شرایطی که به شرف بشریت نمی آید زندگی کرده اند. معلوم شده که این افراد سواد ندارند، هیچ آموزش دینی کسب نکرده، بلکه سالها تحت ستم، ظلم و زندگی کرده اند.

گروه دوم که به این گروه تروریستی پیوسته اند، جوانان موسوم به «مهاجران استعماری» هستند. که فرزندان مهاجران اند. این جوانان افراطی هستند که در اروپا به دنیا آمده، بزرگ شده اند، از جامعه رانده اند و به عنوان غریبه تحقیر شده و اعتماد به نفس خود را از دست داده اند. می دانیم این جوانان که نیازهای همچون داشتن ارزش و تعریفی از خود برآورده نشده است و در زمینه آموزش دینی هم ناکافی هستند، و چون یک بحران ایمانی دارند زود به دام گفتمانهای دینی رادیکال می افتند.



گروه سومی که به گروه تروریستی پیوستند جوانانی هستند که جدیداً مسلمان شده اند و فرصت اینرا نداشتند که اسلام را از منابع درست و از اشخاص دارای نیت نیک که از معلومات کافی برخوردار باشند، بیاموزند. مشخص است که این جوانان که نمی دانند اسلام دین رحمت است و از حکمت، فضیلت، اعتدال و فراست بهره نبرده اند از جهت ناکافی بودن معلومات دینی شان زود به دام ایدیولوژیک این گروه ها می افتند.

یکی از منابع
انسانی گروه هم
جوانان موسوم
به «مهاجران
اشغالگری»
هستند که در
اروپا به دنیا
آمده اند و
بزرگ شده
اند و از جامعه
رانده اند و به
عنوان غریبه
تحقیر شده و
عزت نفسشان
صدمه دیده اند.


گروه چهارمی که به داعش گرویده اند جوانانی هستند که به ساختار سلسله مراتبی گروه وارد نشده اند و آنها را معتقد کرده اند که اهداف مقدس اسلامی مانند جهاد، شهادت، جنت به گفتمانها و اقدامات این گروه محقق می شود. این گروه تروریستی احساسات و هیجان دینی جوانان را استثمار می کند و تلاش می کند که با متون که با مفاهیم اسلامی به وجود آورده اند، آنها را تحت کنترل قرار دهد و آنها را انگیزه بدهد. آنان که با همچنین شروعی به گروه گرویده اند بعدها حتی اگر اهداف اصلی این گروه را هم ببینند و بخواهند بر گردند در دام خشونت که افتاده اند مانع این نجات می شود.

ویژگی مشترک هر چهار گروهی که معلوم است تحت فشاراند و بی ارزش و ایمانند، این است که اسلام را از منابع صحیح اسلام یاد نگرفته اند و با رویکرد ساده و متعادل و فراگیر و استقبال کننده اهل سنت آشنا نشده اند و مفاهیم اصلی دین را نمی دانند. و آگاه نیستند که باید ایمان را با اخلاق خوب و عبادات تقویه کرد و مسلمان آن است « مردم از گزند زبان و دست او در امان باشد » « ای اهل ایمان! همه متفقا در مقام تسلیم (صلح) خدا در آید. » (البقره ۲۰۷/۲)، از اسلامی که این گونه دعوت می کند و از ماهیت اصلی اسلام که وادار به خوبی و احسان می کند و ظلم و شکنجه را منع می کند چیزی نمی دانند.

داعش متون دینی را چگونه استثمار می کند؟

پیامبر ما (ص) وقتی اساس اسلام را یاد می داد درک درستی از آن و تطبیق درست آن به زندگی را هم یاد داده است یعنی یک اصول و روش تعیین است. بخاطر این مسلمانان، بر اساس قرآن و سنت هم برای تعیین اساس ایمان و هم برای تعیین احکام مسایل زندگی روزمره بعضی روشها تعیین کرده اند. این زمینه که به اندیشه های سطحی و تحلیلهای بی ربط و روشهای بی نظم بست+ه شده، توسط پیامبر تنظیم شده و به اصحاب یاد داده شده است. اصحاب حضرت پیامبر (ص) هم آنها احکام دینی و تفسیر آیات و سنت را که از پیامبر (ص) آموخته بودند به نسل بعدی تابعین نقل کرده اند. اندیشه، علم و تجربیات اسلامی اینچنین نسل به نسل نقل شد و بدین ترتیب استوار، کامل و مستحکم شده است.

همیشه اقدامات تحویل و درک غیر از این راه صحیح و تلاشهای ایدیولوژیک که قصد و هدف اسلام را نادیده می گیرند، موجود بوده است. امروز هم داعش نیز برای پشتیبانی بر ادعا و اقدامات خود که جز خیانت و شورش چیزی دیگری نیست متون دینی را استثمار می کند. در اینجا مهم این است که گویا وقتی از دلایل دینی خود استفاده می کند به هیچ اصل و اصول رعایت نمی کند و یک ساختار




تصغیر سفر
حقیقت دیگر
مومنان و آنها
را دور از
چهارچوب دین
و ایمان راندن
و قلبهای گرم
رو به قبله را و
پیشانی سجاد
را به کفر متهم
کردن اصلا
شایسته به
اخوتی نیست.

به وجود می آورد که سود و نفعش کجاست به آنجا رو می دهد. داعش وقتی از آیات و حدیث استفاده می کند بدون توجه به سیاق و سباقش استفاده می کند و در مورد موضوع دلایل دیگر را نادیده می گیرد و بدون توجه داشتن به اهداف اساسی دین موضوع را تفسیر و تحلیل می کند. در زیر مثالهای از این استثمار را خواهیم داد.

روش لفظی و سلفی داعش چه معنی دارد؟

داعش و گروه های مانند آن خودشان را به سلف صالح یعنی اولین نسلهای مسلمانان نسبت می دهند و با این کار تلاش می کنند تا مورد استقبال قرار گرفته ارزش به دست بیاوند. این گروه ها بین سلف تمایل به گرایش لفظ دارند که برایشان مشروعیت ببخشد. با این که داعش تلاش دارد با چنین اندیشه سلفی بخود مشروعیت ببخشد، در واقع منبع تغذیه اش فرقه وهابیت است. این فرقه در قرن ۱۸ با افکار محمد بن عبدالوهاب شکل گرفته و بعدا با این که در ظاهر دینی خودنمای می کند تبدیل به یک ایدیولوژی مدرن شده است.

رفرنسهای که داعش در شبکه مطبوعاتی و تصویری خود از آن استفاده می کند، نشان دهنده نزدیکی به خط قوی وهابیت است. تفکر داعش



این رویکرد وحشیانه داعش
که از مفهوم مقدس جهاد
سوء استفاده می کند،
مسلمان باشد یا نه آنان که به
گروه شان مخالف اند بینشان
هیچ فرق نمی گذارد و زن و
کودک و سالخوردگان را به
قتل می رساند.



که ابعاد حکمت دین را نادیده می‌گیرد و فقط به لفظ و شکل اهمیت می‌دهد، تعصب و دشمنی را تحریک می‌کند. این ذهنیت، علم را با عرفان، عمل را با اخلاق، حکم را با آداب یک کل نمی‌بیند، با جز عمل می‌کند. واقع بین و ژرف نگر و سازنده نیست، پیش قضاوت است و سطحی و تخریب کار هم هست.

مثلاً، «آگاه باشید که [عالم] خلق و امر از آن اوست» (الأعراف، ۵۴) این آیه در اسنادهای گروه برای جلوگیری از مشارکت به انتخابات ترکیه، به عنوان یک دلیل مطرح شده است. ۱ در حالی که مقصد این آیه تصرف و حاکمیت خداوند بر کائنات است. آیت‌های زیادی هست که می‌گوید، زندگی بر روی زمین مطابق به رضای خدا با دست‌های انسان شکل می‌گیرد و به عنوان «خلفیه» انسان را مسؤول می‌داند و مسؤولیت اداره را بر عقده او می‌نهد.

در مثال دیگر دیده می‌شود که گروه پیشنهاد می‌کند که قرآن را به شیوه‌ای سطحی و انتخابی بخوانیم و باز تلقین می‌کند که بدون داشتن دانش ابتدایی علم قرآن را درک کنیم. این تلقین که نشان دهنده بی‌اساسی استراتژی گروه است، یک مثال تکان دهنده است. تا ندانیم که آیات جهاد در کدام

شرایط و با کدام آیات نازل شده اند و اصول قران درباره جهاد را با هم ربط نداده و سخن و رفتارهای حضرت پیامبر (ص) که درباره جهاداند را یاد نگرفته، خواندن آیه ها اشتباه بزرگی است. ولی ابو البراء الهندی از اعضای گروه داعش در یک ویدیو گفته که «مصحف را باز کنید آیات جهاد را بخوانید همه چیز روشن و واضح است.» همه علماء به من می گویند که «این فرض است؛ این فرض نیست؛ این زمان زمان جهاد نیست. از اینها بگذرید و قرآن را بخوانید. متوجه خواهید شد که جهاد چیست.»^۲


عبادت جهاد را که برای تأسیس یک زندگی مشترک در صلح فرض شده است، برای فریب دادن افراد به کار بردن و اینها را با این تبدیل یک اسلحه ساختن نتیجه کار یک ذهن روانی است.

داعش مسلمان را چگونه تعریف می کند؟

اگر با یک جمله به این سؤال جواب بدهیم باید بگوییم که برای گروهک ترورستی، مسلمان آن کس است که یا به داعش پیوسته است یا در منطقه تحت کنترل او زندگی می کند. رفتارهای داعش در مقابل مسلمانان تبعید کننده، انحصاری و تکفیری است. یعنی کسانی به گروه اطاعت نمی کنند یا گفتارهای

2 رساله مفتوحة الدكتور ابراهيم اواد البدرى الملقب ب«ابو بكر البغدادي».

s. 4-5 (<http://www.lettertobaghdadi.com/14/arabic-v14.pdf>)



یک مشت افرادی
که خودشان را به عنوان
جنگنده های شجاع خدا و دین
معرفی می کنند، بی توجه به هر
ارزش انسانی و اخلاقی با یک گرفتگی
ایدیولوژی در حال تخریب و خشونت
هستند و نابود می کنند و در واقع
متوجه نیستند که یک بازیچه
هستند.

رادیکال او را قبول نمی کنند یا در عبادات خود
نقصانها دارند از نظر داعش مسلمان نیستند. زیرا برای
ایدیولوژی گروه «ایمان عبارت است از تصدیق با
قلب و اقرار با زبان و عملکرد اعمال است. حذف
یکی از این سه شرط باعث خارج شدن شخص از
دین می شود.» این فهم غلط داعش از مسلمان و مؤمن
باعث می شود که کسانی که بنظر آنها در اعمال کاستی
دارند متهم به کفر شوند و کشته شوند.

در حالی با توجه به سنتهای ماتریدی و اشعری
که نماینده اکثریت اهل سنت هستند، در ایمان تصدیق
مهمترین اصل است. یعنی از سمیم قلب قبول کردن



وجود و یگانگی خدا و ایمان آوردن به اساس ایمان است. «نیست هیچ معبودی بجز الله تعالی؛ محمد بنده و فرستاده اوست.» هر کسی این جمله را گفته و شهادت داده باشد مسلمان است. اقرار یعنی آن را علنی به زبان آوردن بخشی از ایمان نیست و شرط استبرای قبول شدن مسلمانی فرد در دنیا است. اعمال یعنی عبادات و رفتارهای خوب هم واجبات و متمم ایمان هستند. بنابراین مگر این که اول توحید را و اساس دین را به صراحت انکار نکرده باشد، گناهکار هم باشد از ایمان خارج نمی شود و متهم به کفر نمی شود. علمای اهل سنت این اصل را این

طور بیان می کنند: «نمی شود اهل قبله را تکفیر کرد.»

داعش با منطق تکفیر چه سود به دست می آورد؟

تکفیر ادعای کافر بودن یک مسلمان یا کسی که مسلمان دانسته می شود، است. این ادعا در طول تاریخ مانند یک اسلحه ایدیولوژیک به کار رفته و گروه های مختلف تلاش کرده اند که مخالفان خود را با تکفیر بی اعتبار بسازند و آنها را بر طرف کنند. با این که پیامبر ما خبر کرده که مأمور شده تا آدمها به نبودن معبودی بجز الله تعالی و به رسالت پیامبری ایمان بیاورند و کسانی که کلمه توحید را گفته اند خون و اموالشان محفوظ شده است و باز هم کسانی که رو به قبله نماز می خوانند خوشنودی خداوند و پیامبر را کسب کرده اند و بنابراین تکفیر آنها یا بی دینی نسبت دادن مجاز نیست. و یک مسلمان را کافر خواندن خود آدم را به کفر می کشاند. (بخاری، ایمان، ۱۷، صلات، ۲۸، ایمان، ۴۷؛ ابو داود، جهاد، ۹۵)

امروز داعش هم به کسانی که از لحاظ سیاسی با آنها دشمنی دارد به ویژه مخالفان خود و آنان که کثافت کاری های آن را فاش می کنند تکفیر می کند. دلایل تکفیر آن شامل مسائل مربوط به زندگی اجتماعی مانند ورود به انتخابات، کار کردن به عنوان

یک خدمتکار دولتی، مراجعه به دادگاه و رفتن به مدرسه است. کسانی که دور از عقل سلیم مسلمانان را تکفیر می کنند، از خط اهل سنت خارج می شوند و به طور آشکار به وحدت و اخوت امت آسیب می رسانند. این منطق تکفیری که هزاران مسلمان را تهدید می کند، در واقع برای گروه تروریستی میدان عمل را باز می کند و زمین را برای تخریب و ظلم باز می کند. هدفشان این نیست که جامعه را به ایمان نزدیک کنند و ایمان را به مردم ارتقاء دهند، بر عکس هدف شان به خشونت و تروریسم مشروعیت بخشیدن است.

داعش با ادعای شرک چطور تاریخ را نابود می کند؟

شرک؛ چیز دیگر را به خداوند تعالی که خالق و مدور کائنات است، جفت و شریک قبول کردن است. یکی از جدی ترین اشتباهات داعش برقراری ارتباط بین شرک و زیارت و بازدید مقبره و آرامگاه است. گروه، آن کسان را که مقبره ها را بازدید می کنند و محبوب خداوند را برای دعا وسیله می سازند، در درجه شرک می بیند و آیه های را که منظورشان مشرکهاست، برای این کسان قبول دارد. ۳

آرامگاه‌ها را به یک عبادتگاه تبدیل کردن و از کسی که در آرامگاه مدفون است درخواستها داشتن آدم را شرک می‌کشاند. فقط بازدیدی که با سلام و دعا شروع شود و مطابق به سنت حضرت پیامبر باشد، مشروع است. هر کسی که عقل داشته باشد تفاوت بین این دو رویکرد را درک می‌کند. هر مسلمان ایمان دارد که خداوند متعال در ذات و صفات و افعال خود یگانه است و فقط به او التماس می‌کند و فقط از او درخواست می‌کند و فقط با احسان و عنایت او به خواسته‌های خود می‌رسد. بنابراین بازدید مقبره که مطابق با اصول باشد و برای عبرت گرفتن و یاد آوردن مرگ انجام باشد ربطی به شرک ندارد.

بازتابی از ارتباط دادن داعش که بازدید آرامگاه و مقبره را با شرک ارتباط داده بود، با تخریب میراث تاریخی و دشمنی به فرهنگ اظهار کرد. واضح‌ترین مثال از این نگرش هم تخریب آثار تاریخی است به ویژه تخریب مقبره‌ها و مقامات که متعلق به پیامبران هستند. داعش که احادیث مربوط را از زمینه تاریخی و اجتماعی بر می‌کند و از این احادیث برای ویران ساختن مقبره و زیارتگاه‌ها استفاده می‌کند.

مجسمه‌های در موزه‌ها و معبدهای تاریخی نیز بین این تخریبها قرار دارند. اعضای این گروه نابودی

میراث ملت و فرهنگ های قدیمی را به عنوان «تخریب بت پرستی» توصیف می کند و گویا این اقدامات را به عنوان دینی بروز می دهند. ۴ در حالی که قرآن کریم که برای عبرتگیری از تاریخ، گردشگری در دنیا را سفارش می کند این چنین می فرماید: «آیا در زمین گردش نکرده اند؟ تا دلهایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوشه‌هایی که با آن بشنوند در حقیقت چشمها کور نیست لیکن دلهایی که در سینه هاست کور است.» (الحج، ۲۲/۴۶)

داعش که میراث تاریخی را تخریب کرده است، با نبود کردن آثاری که امکان درک افعال بشریت را در فرایندهای مختلف و در مقابل امتحان الهی می داده اند، یک بی بصیرتی تمام حرف را نشان داده است. ولی اصحاب گزیده‌ی پیامبر به ویژه حضرت عمر در موقع فتح بلاد شام و بیت المقدس زیارتگاه‌های که به عنوان آرامگاه پیامبر قبول شده اند را تخریب نکرده اند و دست به کلیسا و کنیسه نزده اند. پیشگامان سلف صالح مانند عبدالله بن عمر و سعید بن المسیب پیش ممبر پیامبر (ص) ما دعا کرده اند. رویکرد سلف به خاطرات تاریخی دینی اینطوری است ولی این خیلی تلخ است که بستگان گروه تروریستی که خودشان را به عنوان «سلف نو»

Konstantiniyye, 1436/1, s. 25-27; 1436/3, s. 68-69; Dabiq, 4

.1436/8, s. 22-24



تخریب میراث فرهنگی
و آثار هنری داعش به
منظور گویا دینی، مطابق به
نقشکشی طراحان که این
گروه تروریستی را طراحی
کرده می باشد.

معرفی می کنند، یادبودهای در این شهرها که تمدن اسلام در آنجا به وجود آمده و گسترش یافته است را، نابود می کند.

تخریب میراث فرهنگی و آثار هنری داعش به منظور گویا دینی، مطابق به نقشه کشی طراحان که این گروه تروریستی را طراحی کرده اند می باشد. بدین ترتیب می خواهند ایده اسلام شامل فرهنگ و هنر و ظرافت نیست را در افکار عموم جهان گسترش بدهند و توهین بربریتی که جوامع اسلام در طول تاریخ و در منابع غربی متهم شده را در اذهان جوانان تزریق کنند.

روایات فتن با داعش چه ربطی دارد؟

روایات «فتن»؛ روایات احادیث است که رویدادهای را که در موقع نزدیکی قیامت رخ خواهد داد و در مورد برخی از عبارات نشانه های آخرالزمان است. گروه هایی که در طول تاریخ در حال مبارزه با یکدیگرند، برای تقویت موقعیت خودشان سعی کرده اند که از تأثیرگذاری اتوریته پیامبر بهره ببرند و روایات بسیاری از احداث را هم از این قبیل تحلیل کرده و خائنانه از آنها استفاده کرده اند. روایات فتن که در مورد بحران و جنگ های اجتماعی ناشی از دین و سیاسی هستند بین اینها است.

آنان که در دست اسلحه
دارند و کور کورانه مردم
بی گناه را می کشند مجاهد
نیستند و همین طور
وحشت و جنایتهای که از
طرف شبکه های مجرم بی
انصاف و بی وجدان انجام
شده هم جهاد نیست.



داعش گفتمان خود را که به خود ماموریت خدای می دهد، به جنگی که نزدیک روز قیامت بین مسلمانان و مسیحیان رخ خواهد داد، ارتباط می دهد. داعش روایات درباره جنگی که در منابع «ملحمه کبری» نامیده می شود از زمینه خود بر داشته و به یک ابزار تبلیغاتی نظامی تبدیل کرده است. بر طبق روایت حدیثی که داعش به عنوان منابع از آنها استفاده می کند، در منطقه اعماق و دابق که امروز در بین مرزهای سوریه قرار دارد، تا یک جنگ بزرگ میان مسلمانان و مسیحیان به وجود نیاید آخرالزمان نمی آید. سپاه مسلمانان که رو به روی سپاه مسیحیان می آید، از مدینه حرکت می کند متشکل از بهترین و برترین آدم های دنیا است. در این جنگ شدید مسلمانان پیروز می شوند و بعد هم استانبول را فتح می کنند. در حالی که غازیها شمشیرهای خود را به درخت زیتون آویزان می کنند و غنیمت ها را تقسیم می کنند. شایعه پخش می شود که دجال ظهور کرده و خانواده های باقی مانده در امن نیستند. وقتی مسلمانان به منطقه شام بر می گردند و برای جنگ آماده می شوند، حضرت عیسی ظهور می کند و دجال را می کشد. (مسلم، فتن، ۳۴).

داعش بر مبنای این روایت خود را به عنوان سپاه اسلام جلوه می دهد و برای کسب مشروعیت تلاش می کند و با ادعای وقت جنگ دابق فرارسیده

داوطلبان را برای جنگیدن در صفهای خود به سوریه دعوت می کند. ولی آن کسانی را که می کشد و شهرهایشان را ویران می کند و اموالشان را غارت می کند و ظلم می کند مسلمانان است. علاوه بر این پیامبر اسلام (ص) در هنگام جنگ هم در برابر دشمن فضیلت را توصیه کرده و ستم به افراد غیر نظامی و کشتن زن و کودک و پیر و روحانی ها را ممنوع کرده و هرگز اجازه نداده که با هدف انتقام گیری دست به اعمال غیر انسانی بزنند.

آیا ادعای گویا دولت خلافت داعش می تواند واقعی باشد؟

داعش که با ادعای ممثل مشروع تمام مسلمانان جهان حرکت می کند و خودش را گویا «دولت اسلامی» نامیده و رهبر گروه تروریستی خودش را (در خیالش) به عنوان خلیفه اعلام کرده است. این گروه تروریستی به شدت با یک فرآیند تبلیغاتی تلاش می کند تا خلافت بغدادی را بر مبنای مرجع کلاسیک اسلامی بمی دهند و برای این امر کتاب ها و بروشورها را منتشر کرده است. حتی تأکید ویژه بر موضوع عضویت قبیله قریش که به عنوان یکی از شرایط خلافت در نظر گرفته شده است، اهمیت خاص داده اند و برای بغدادی یک شجره نامه دروغین تنظیم کرده اند که نسب او از حضرت حسین به حضرت

رسول الله می رسد. بعدها با دلایل، جعلی بودن این شجره نامه ثابت شده است.

امروزه تلاش داعش برای احیای مدل خلافت، در واقع تلاشی نیست بجز بهره برداری از ارزش و اعتبار خلافت که مسلمانان سالهاست به آن قائلند. تاکید بر خلافت و امامت، با استفاده از شکوه تاریخی این مفاهیم برای تقویت ساختار گروه است. به خاطر این حتی فکر کردن درباره اینکه آیا ساختار داعش شرایط خلافت را دارد یا ندارد هم هیچ معنی ندارد. زیرا بهره برداری داعش برای اهداف تروریستی خود از مفاهیم خلافت و امامت هم قصد دارد که وحدت و همبستگی و برادری تمدن اسلام را تخریب کند.

داعش چگونه مفهوم دار الاسلام را تحریف می کند؟

«دار الاسلام» مفهومی حقوقی و سیاسی است که برای کشورهای تحت حکومت مسلمانان و «دار الحرب» هم مفهومی است برای کشور غیر مسلمان اطلاق میشود. نظام بین دولتهای قرون اولیه اسلام که به این دو مفهوم شکل داده بود، در طول زمان تغییر کرده و برای کشورهایهایی که با مسلمانان در تعهد هستند مفاهیم مانند دارالصلح و دارالعهد و دارالذمه را استنباط شده است.

در واقع مفاهیمی را که در دوره های خاصی از تاریخ برای توضیح روابط بین جوامع و تعیین اصول قانونی توسعه یافته اند، در روزگار ما بدون هیچ تغییری تطبیق نموده برای اندیشه تکفیری پرده ساختن اشتباه بزرگیست. مفاهیم مانند دارالاسلام و دارالحرب توسط علمای اسلام با توجه به زمان و جغرافیا در شکل های مختلف بحث و تفسیر شده است. لازم است همچنین مفاهیم را از نظر روابط قانونی، سیاسی و تجارتي بین الملل امروز مورد توجه قرار دهیم و با تحلیل و تفسیر علمای اسلام دوباره ارزیابی کنیم. امروز باید با مفاهیم مطابق با ساختار سیاسی و رئالیست کشورهای اسلامی صحبت کرد.

داعش تحت نام ادعای دولت اسلامی، مدعیست که اولین ممثل مشروع مسلمانان است، مفهوم دارالاسلام را برای خاکهای تحت سلطه خود به کار می برد. این گروه تروریستی تمام مناطق دیگر را کشورهای اسلامی هم در این خاکها است، دارو الحرب می خواند و مسلمانان را به هجرت به آنجا که در جهان قوانین خدا فقط در آنجا جاری است یعنی گویا به خاکهای خلافتی خود دعوت می کند. البته این بدان معنی است که گروه برای تقویت استراتژی خود از یک مفهوم فقهی سوء استفاده می کند.

داعش چگونه مفهوم جهاد را کثیف می کند؟

«جهاد» به این معناست که وقتی کسی در راه تبلیغ اسلام و در راه یک زندگی مطابق با اسلام با دشمن می جنگد با تمام وجودش در تلاش باشد. بنابراین مؤمن، هرگونه مبارزه‌ی را که علیه اشخاص بد و بدی‌ها و هرگونه تلاشی را که در راه علم و نیکی بخرج میدهد در چارچوب مفهوم جهاد داخل است. «در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید» (الحج، ۲۲/۷۸) و «با دست و زبان و اموال خود جهاد کنید!» (النسائی، جهاد، ۴۸) این آیه و حدیث پیامبر (ص) مثالی از معنای جامع جهاد است.

داعش می خواهد جهاد را با اقدامات غیر انسانی مانند شکنجه، ستم و کشتار جمعی که هرگز بخشی از لیتراتور دین نیست، مساوی بسازد. این اقدامات بیش از حد غدار و افراطی که از معنای ستیز با دشمن جهاد هم فراتر است، مسلمان باشد یا نباشد کشتن همه مخالفان خود را بی توجه به زن، کودک و سالمند تأید می کند. برای داعش جهاد که یک مفاهیم قرآنیست، فقط سمبول جنگ است و یگانه راه اجرای مسئولیت پیوستن به گروه و به گونه‌ی فعال شرکت در اعمال خشونتبار است.

در حالی که در دین ما جهاد کشتن نیست بلکه زنده کردن، صلح، آسایش و آرامی برای بشریت و گرامی داشتن زندگی است. جهاد تلاش در راه خداوند و تلاش برای حق و حقیقت است. برای جلوگیری از بی عدالتی در جهان و محافظت از مقدسات با بدن، زبان، فکر و صمیم قلب مقاومت نشان دادن است.

آنان که در دست اسلحه دارند و کور کوران مردم بی گناه را می کشند مجاهد نیستند و همین طور وحشت و جنایتهای که از طرف شبکه های مجرم بی انصاف و بی وجدان انجام می یابد هم جهاد نیست. امروز استعمار گروه های تروریستی از مفهوم جهاد درحالیکه که این گروه ها با اسلام از دور و نزدیک هیچ ربطی ندارند، با ترساندن از اسلام بیشترین آسیب را به مسلمانان رساندند.

داعش حمله علیه مردم بی گناه، مسلمان و مردم غیر نظامی را جهاد می نامد که این بزرگترین جرم و گناه علیه اسلام است. جنایتهای خونخوار خود را با اسلام ارتباط دادن، نشان دهنده سوء استفاده گروه تروریستی از جهاد برای نفع خود است. سنت پیامبر (ص) مهربانی را که این پیامبر برای رحمت به عالم فرستاده شده و به مردم یاد داده که باید حتی در موقع جنگ هم یک اخلاق داشته باشند، نقض می کنند در حالیکه فرمایش قرآن را نادیده می گیرند که

می فرماید: «و اگر به صلح گراییدند تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست» (الأنفال، ۸/۶۱) باز هم مانع درک درست از مفهوم جهاد هم می شوند.

داعش چه کسانی را با استشهاد دروغین هدر می دهد؟

معنی کلمه «استشهاد» با نیت شهید شدن به مرگ رفتن است ولی در زبان گروه های رادیکال و افراطی به معنی حمله انتحاری است. برای داعش عمل حمله انتحاری که انسان در آن به عنوان بمب زنده رول بازی می کند یک اقدام جایز و نیک پنداشته می شود. دفاع گروه تروریستی از این اقدامات از نگاه استراتژی پخش و ترس امفید است. به گفته های خودشان «بیشترین فتحهای که توسط کشورهای مسلمان انجام یافته توسط حمله های انتحاری صورت گرفته است. دولتی که در جهان تنها این ویژگی بی نظیر را دارد فقط دولت اسلامی است. هم در کشور اسلام هم در کشورهای دیگر هزاران شیر خلافت برای انجام منتظر نوبت خود هستند.» ۵

با این حال، یکی از اساسی ترین مصئونیتی که اسلام به انسان می شناسد، امنیت زندگی است.

برای یک
عملیات
انتحاری که
منجر به مرگ
و میر مردم بی
گناه می شود،
خود کشی
کردن هرگز
با «شهید» و
«شهادت»
ربطی ندارد.
ترور - مسلمان
باشد یا نه -
انسان یا جامعه
به هیچ وجه
قبولش جایز
نیست.

طبق قرآن کریم، عمدا و بدون دلیل قانونی و مشروع، قتل یک شخص مانند قتل بشریت می باشد. کیفر این عمل دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود. خدا بر او خشم می گیرد و لعنتش می کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است. (النساء، ۹۳/۴) به همین ترتیب هیچ کس حتی حق ندارد جانی را که به خود او سپرده شده است را عمدا قصد به پایان برساند. بنا بر این انسانهای زیادی که بصیرت و فراستشان را از دست داده و عقل و فکرشان را به دست کسان دیگر سپرده و در اندیشه اینند که به نام خدا مبارزه می کنند، فکر می کنند که با حملات انتحاری در راه خیر^۱ هستند، بل در راه شر هستند و به فرض این که در راه بهشت هستند راهی هبوط دوزخ هستند.

استثمار داعش از مفهوم شهادت همانند استثمار گروه ای که در تاریخ به عنوان حشاشین معروف است، می باشد. حسن صباح هم مریدانش را متقاعد کرده بود که او یک شخص انتخاب شده است و سعی کرده بود که آیه های قرآن را دلیل برای تصویرهای خیالبافی هایش بیاورد و جوانانی خنجر خونین در دست را که با وعده جنت بی هوش و مست کرده بود، بین جامعه راهی کرده و موجب هم ستیزی مسلمانان شده بود.

ولی اقدامی انتحاری که باعث مرگ بی گناهان و زن و بچه می شود را «شهادت» نامیده هرگز پذیرفتنی نیست. ترور - مسلمان باشد یا نه - انسان یا جامعه به هیچ وجه قبولش جایز نیست. اقدامات حملات انتحاری را خودکشی قبول نکردن و آنها را شهادت جلوه دادن، چیزی نیست جز استثماری از مفهوم مقدس شهادت. زیرا شهادت، یک مقام قدسی است که کسانی که در حال جنگیدن با مهاجمان اسلام و مسلمانان جانشان را از دست میدهند و کسانی که به خاطر ظلم کشته می شوند به آن مقام می رسند. کشتن مردم بیگناه شهادت نیست قاتلی است.

چهره ی باطنی ویدیو های که داعش پخش می کند چیست؟

هدف داعش از شکنجه در موقع انفاذ قربانیان خود و انتشار این تصاویر وحشتناک در رسانه ها، یک جور برای تهدید مردم است و همزمان تبلیغاتی هم هست. ترور الگوی است که از ترس تغذیه می شود و با تهدید و فشار تقویت می یابد عاملان ترور هر چه بیشتر انسان بترسانند و هر چه عاطفه و روان افراد را تخریب کنند خودشان را در حد آن موفق می شمارند. ولی هدف اصلی این اقدامات در سراسر

جهان در مورد اسلام و پیامبر اسلام و ارزشهای اسلامی، یک تشویشی و ناراحتی ایجاد کردن است.

پخش این فیلم‌ها به خصوص از طریق رسانه‌های اجتماعی، برای مانع‌گرائیدن جوانان که بیشتر از این رسانه‌ها استفاده می‌کنند، به فضای امن و اعتماد و شفقت اسلام است. یکی دیگر از جنبه‌های قابل توجه این موضوع این است که سرویس‌دهندگان اینترنت این فیلم‌ها را بازنگه می‌دارند تا هر کس بتواند دسترسی به آنان داشته باشد.

البته بریدن سر یک فرد نه اسلامی است و نه انسانی. پیامبر (ص) علاوه بر ممنوع‌ظلم و ستم به انسان، به حیوانات ظلم و اذای ممنوع کرده و در میدان جنگ هم مانع رفتار بیش از حد شده و به سپاه خود که در حال سفر بودند فرموده که «از خدا بترسند، بیش از حد رفتار نکنند، از تمع شکنجه و انتقام دور باشند و به سالمندان و زنان و کودکان و روحانیون دست نزنند و درختها را نبرند». (مسلم، جهاد و سیر، ۱۲۸) پس اینکه پخش ویدیوهای شکنجه و خشونت در شبکه‌های اجتماعی را نمی‌شود ارتباطی با حسن نیت و به پرنسب اسلامی دانست.

چگونه با استثمار خشونت آمیز دین مبارزه کنیم؟

- اول از همه به سیستم پرورش مردم، به ویژه به روش تدریس دین و تربیت دوباره چشم بیندازیم. در تدریس دینی کودکان و جوانان اسباب نزول آیه ها و حکمت و هدف گفتن حدیث و ارتباطشان با آیه و احادیث دیگر را یاد دهیم. آنها را با مرجعهای که با تمام هماهنگی متون دینی توجه دارد و معنایشان را انحراف نمی کند و مانع به تحویل خودسرانه هست، هدایت کنیم. به کوتاهی اصول تحلیل و تفکر و تفسیر دینی که بیش از ۱۴۰۰ سال است در تمدن اسلامی شکل گرفته است، اجازه ندهیم.
- در تلاش و شلوغی زندگی روزمره به فرزندان مان توجه کنیم. توجه کنیم که با چه کسان دوستی برقرار می کنند، وقت خود را در کجا می گذرانند، چه می خوانند، در فضای مجازی وارد کدام شبکه ها می شوند. فراموش نکنیم، جوانان که از محبت و علاقه و راهنمایی محروم هستند، بیشتر ریسک افتادن به دام شبکه های که اطلاعات ناصحیح دینی می دهند و گروه های تروریستی رادیکال را دارند.

- به نسل های جوان یاد دهیم که یک مسلمان با باور و رفتار و اخلاقش به کمال می رسد و اقداماتی که شکلی و ظاهری هستند، برای هیچ کس فایده ندارد. در اذهان جا دهیم که زندگی که تنها در چهارچوب سودهای دنیوی مانند مقام، قدرت، اقتدار، پول است، مطابق به اسلام نیست و اسلام هم برای منفعت دنیوی و هم برای منفعت اخروی در پی معنویت است.
- بدانیم که اسلام نه فقط برای مسلمانان بلکه برای تمام آدمها و حتی برای تمام جانداران که در این کاینات می زیستند عدالت و مرحمت را قایل است. توضیح دهیم که اسلام دین ترس و خشونت نیست بر عکس دین رحمت و خوشفکری است. در هر پلتفرم در مقابل اسلام هراسی که داعش و گروه های همانند آن باعث شده است، مبارزه کنیم. اجازه ندهیم که اسلام را به زبان و شیوه تند و بی رحمانه و تکفیرآمیز تبلیغ شود. بر عکس، در گفتمان دینی با رهبری بی نظیر پیامبر یک شیوه ظریف، فراگیر و ملایم بر قرار کنیم.
- بر فرمایش قرآن مجید تلاش کنیم « امتی میانه / وسط » (البقرة، ۲ / ۱۴۳) باشیم. جامعه ای باشیم که به افراط روی نیاوریم و استقامت خود را حفظ نموده از تمامی تندروی ها و سرکشی ها

دور بمانیم. به یاد بیاوریم که چنین جامعه تنها از افرادی که مطیع به قوانین خدا، در هر کارش و وظیفه شناس، دور از افراط و تفریط، تشکیل می شود.

- از تعصب و از تمام تعصبهای که منجر به فتنه می شود بپرهیزیم. تعصب؛ یعنی بدون محاکمه و تردد دل بستن و بی آنکه درست است یا اشتباه، ارتباطش را با آن ادامه دادن، دشمن خواندن همه مخالفان این اندیشه و افکار است. به یک تفکر دینی رو دادن و بعدا آن را نماینده تنهای حقیقت دانستن هم تعصب است. منطقی که فقط اندیشه ما است که به حق رسیده و نجات یافته یا به هدف رسیده، هم افراد هم گروه ها را به نابودی می کشاند. سفر حقیقت مؤمنان دیگر را تحقیر کردن، از چهارچوب دین و ایمان راندن، قلبهای را که بسوی قبله رو می آورند و پیشانی را که به سجده می رود به کفر متهم کردن اصلا شایسته برادری نیست.

- جز از اساس و محکمت دین که غیر قابل تغییرند، پیشنهادهای جدید بر اساس کتاب و سنت در مورد نیازهای روزمره فردی و اجتماعی که در حال تغییر و توسعه اند، وجود دارد. اجازه ندهیم که بعضی از مفاهیم را با معناهای گذشته آن برای امروز استفاده کنند و جز به معنای خود

به معنای دیگر تغییر بدهند و یا در راستای منافع ایدیولوژیک خود هدر بدهند.

- مذهب‌ها را که در مورد درک اسلام و تطبیقش در زندگی به ما کمک می‌کنند و نظریاتی را که مطابق با اصول و اساسات دین هستند، یک منبع پر رنگ بدانیم. بدانیم و آگاه باشیم که محراق‌های که یک فرقه یا مذهب را بالا می‌گیرند و به منصوبه‌های مذهب‌های دیگر حق فکر و اندیشه نمی‌دهند و خصوصا با تعصب افکار خود را به کسان دیگر تزریق می‌کنند، از اختلافات مذهبی برای ایجاد ستیز و پراکندگی بین مسلمانان استفاده می‌کنند.

- عرفان آناتولی که قرن‌هاست در این جغرافیا شکل گرفته و مایه زندگی دینی ما شده را محافظت کنیم. تلاش کنیم تا تمدن اسلامی ما از منابع دور از خرافات و درست و محکم بر خوردار باشد. فضیلت و اخلاق پسندیده عمق معنوی اسلام را بیشتر بروز بدهیم؛ از برابری و وحدت و برادری خود رو نگردانیم.

